

گفت‌وگویی با کریس مارتین

## دل‌م می‌خواهد پای کنسرت بتهوون و نیر وانا بنشینم

کریس مارتین چهره‌اش شاخص‌گنداپی است. او گیتاریست، پیانیست، شاعر و خواننده‌ی گروه است. کسی که بیش از بقیه اعضا نگران نقد شدن کار گروه است. اما یقین دارد که نقد هیچ‌گاه کسی را متوقف نکرده. گفت‌ووی یک نشریه انگلیسی با مارتین را می‌خوانیم.



شیرین  
پرده  
پرتال  
مطالعات  
انسانی

قصه رنج‌اندن‌ات را ندارم، اما آیا ترانه Bad Days در روزهای بنده از گروه flaming Lips را شنیده‌ی؟ آن را نمی‌دانم.  
خوب پس، اهمیت چندانی ندارد می‌خواستم بگویم، از لحاظ مضمون، مرا به یاد Bigger Stronger می‌اندازد. می‌خواستم ببرسم که آیا مثلاً موقع نوشتن

آره، دو اهنگ جدید، نه، یک اهنگه اهنگی به‌نام حیوانات Animals کمی از آن را شنیده‌ام. داره بهتر و بهتر می‌شه. پس شما منتظرید ترانه‌ها کامل شوند؟ ترانه‌های جدید کمی شیطانی‌اند.

تور چگونه پیش می‌رود؟ البته می‌دانم که تازه شروع کرده‌اید.  
فقط یک برنامه اجرا کرده‌ایم. فکر کنم برای خودمان بسیار بزرگش کرده بودیم. آن‌طور که می‌خواستیم نبود. اما در نیوزلند ریزهای خوبی را گذرانیدیم.  
هیچ ترانه جدیدی اجرا کرده‌ید؟

Bigger Stronger ترانه Bad Days در پس ذهن  
نموده، ولی...

من وقتی Bigger Stronger را نوشتم  
flaming Lips را شنیده بودم. ما خیلی از ترانه‌ها را مدتها  
پیش نوشتیم. من دیگر ارتباط چندانی با آن ترانه  
حس نمی‌کنم. دیگر آن را اجرا نمی‌کنیم.

چرا؟ آیا به گونه‌ای آن مرحله از زندگی را پشت سر  
گذاشته‌ای؟ یا مربوط به دانشگاه بود؟

نه، نمی‌دانم. شعرهایش از کجا بیرون آمد. اما آهنگ  
خوبی بود. از آن لذت بردیم. اما زمانی می‌رسد که دیگر  
نمی‌توان واقعاً با بعضی چیزها ارتباط برقرار کرد.  
بهرحال شعرها بدترین بخش اون آهنگ بود.

شعرها به نظر من عالی‌اند. اما به نظر بسیار شخصی  
می‌آیند.

خب. به نظر من هر کسی که ترانه‌ی می‌نویسد عناصر  
شخصی را در آن دخالت می‌دهد حتی اگر درباره  
چیزهای دیگر باشد.

آیا هرگز نگران انتشارشان بوده‌ی؟  
هرگز. هر کدام از ترانه‌ها که تمام مراحل را پشت سر  
می‌گذارند، یعنی به مرحله انتشار می‌رسند نباید  
مشکلی داشته باشند.

یعنی هرگز نگران نقد چیزی که از خود انتشار می‌دهی  
نیستی؟

نه. هر کسی نگران نقد شدن است. من هم بیشتر از  
همه. ما این موضوع واقعاً کسی را متوقف نکردم.  
کرده؟ ما بهترین ترانه‌های دنیا را نوشته‌ایم و مردم  
گفته‌اند که افضاح‌اند. مطمئناً در آلبوم بعدی هم مردم  
می‌گویند یعنی از ترانه‌ها جرت هستند. به هر حال...

آلبوم بعدی کی منتشر می‌شود؟  
اسیدورم تا اوایل سال آینده.

سال گذشته برای شما سالی دشوار و واقعاً پرشور بود.  
فکر می‌کنم نقطه اوج بود برای هرآنچه انجام داده  
بودید.

درست است.

آیا آن‌گونه‌ی که انتظار داشتید بود؟ همان‌طور که  
تصور می‌کردید باشد؟

اصلاً خنده‌دار است. در روز Fred Durst را نگاه  
می‌کردم، که واقعاً بزرگترین ستاره پاپ دنیا است. او در  
فردوگاه منتظر تقسیم بود و من فکر کردم، خدای من!...

وقتی بچه بودم فکر می‌کردم دینش باید خیلی  
هیجان‌انگیز و جالب‌تر باشد. در نیمه‌های سال گذشته  
متوجه شدم که دلیل بودنم در این کار واقعاً فقط  
خواندن بوده. می‌دانم؟ چیزی شهرت یا پول نبود.  
مطمئناً برای پول نبود. این چیزها همیشه همه مردم  
هم به پول و این چیزها نیاز دارند. اما آن‌چه مرا به این  
کار می‌کشاند، پول نیست، بلکه نوشتن بهترین  
ترانه‌های دنیاست.

اولین آلبومی که خریدی چه بود؟

Thriller از مایکل جکسون

هنوز به آن گوش می‌دهی؟

نه. اما این کار را خواهم کرد. فکر می‌کنم مایکل  
جکسون عالی است.

آخرین آلبومی که خریدی چه بود؟

پنگار فکر کنم... دوسال پیش بود... اما Placebo بود.  
پیش از همه دوست داری اجرای زنده چه کسی را -

مرده یا زنده - ببینی؟

بهبودن به همراهی نیروانا

زندگی شما اکثراً به‌طور آشکاری از رسانه‌ها غایب  
است. آیا این غیبت نتیجه تصمیمی آگاهانه بوده که از

نگاه عموم مخفی بمانید؟

خوب، کسی نمی‌داند ما که هستیم. یعنی واقعاً کسی  
کاری به ما ندارد.

حتی در انگلستان؟

بله. موسیقی ما از خود ما بسیار مشهور است. و فکر  
می‌کنم که همین‌طوری بهتر باشد. به خاطر آن‌چه  
درباره مردم مشهور دیدم. فکر نمی‌کنم واقعاً شهرت  
برای آن‌ها خوشحالی بیاورد.

آیا در استرالیا شما را می‌شناسند؟

در استرالیا نه. اما در نیوزیلند چرا چون ما را در  
روزنامه‌ها معرفی کردند. که کسی هم شیفته‌امیز بود  
منظور این است که، همه می‌آیند و می‌گویند که این  
موسیقی را دوست دارند.

آیا زندگی شما کمی سوررئال است؟ منظور این  
است که همه مردم می‌آیند و شما را با سؤال‌هایشان  
بمباران می‌کنند و بعد هم می‌روند.  
سوررئال؟ نه.

نه؟ آیا از زندگی لذت می‌بروی؟

بله. بخش‌های بد قابل تحمل هستند و بخش‌های  
خوب هم عالی‌اند.  
پس برخورد خوبی با آن داری. در دانشگاه چه

خواندی؟

تاریخ  
دوست داشتم؟  
بله.  
کار تاریخ می‌کردی اگر...

نه. به دانشگاه رفتم که به گروهی بپیوندم.

آیا از درس خواندن لذت می‌بری یا از طرز زندگی  
دانشجویی؟

من از جست‌وجو برای گروه لذت می‌بردم. ایده من  
کاملاً محدود بود. تقریباً از دوازده‌سالگی در همین فکر  
بودم.

آیا والدین‌ات تو را حمایت می‌کردند؟

بله پدرم اکنون می‌گوید که وقتی با من می‌توانست به  
این فکر می‌کرد که بتواند تصمیم‌ام را عوض کند، اما

بنابراین که خود بلدان داشت مرا تشویق می‌کرد. فکر  
کنم که اگر می‌خواست مرا تشویق کند قطعاً از موسیقی  
سرفشار می‌کردم.

ترانه‌های مورد علاقه‌ات کدامند؟

سؤال خوبی بود Many Rivers to Cross (از  
روح‌شاه‌های بسیاری باید عبور کرد) از Jimmy  
Coff ترانه امیدوارانه‌ی است. عالی است.

کهنکشان از Hitechhiker اشاره ندارد؟

من هرگز آن کتاب را نخواندم اما بعضی دیگر نیز این  
را گفته‌اند و بعد از آن من آن کتاب را خواندم که هرگز با  
آن ارتباط برقرار نکردم. فکر کنم سه‌ام برای خواندن  
آن گذشته بود.

کتاب مورد علاقه‌ات چیست؟

داستان‌های شارلوک هولمز. می‌نستم به پداتو کلاسیک.  
کوش می‌دانم و شارلوک هولمز می‌خوانم و با آن  
موسیقی فضای دژور و ویکتورین را در ذهنم بازسازی  
می‌کردم.

به‌زودی روی صحنه می‌روی. چه چیزهایی یک  
کنسرت خوب را می‌سازند؟  
گوریدر کنسرت‌ها.

آیا تا حالا این احساس را نداشته‌ی که وقتی از صحنه  
بیرون بروی بمغوبی مخفی من. عجب عالی بوده،  
و بعد کسی می‌آید و می‌گوید: واقعاً مزخرف بوده نه  
آن‌چه یک کنسرت خوب را تشکیل می‌دهد این است

که وقتی بیرون می‌آیی فکر کنی واقعاً خیلی سخت کار  
کردیم. و خبص فرق بیرون می‌آیی. خردمان می‌فهمیم  
که خوب بوده یا نه. الان، راستش را بخواهی بسیار  
نگران و عصبی‌ام که کنسرتی در پیش داریم. ناخستن در  
فضای باز و در روز. واقعاً مطمئن نیستم که کار کنندا  
امروز ترتیب ترانه‌ها را عوض کردیم. شاید بهتر شود.  
اگر بخواهید ترانه گروه دیگری Cover Song را اجرا  
کنید. چه ترانه‌ی خواهد بود؟

سؤال خوبی است. تاکنون سه بار ترانه Cover اجرا  
کرده‌ایم. فکر کنم چیزی از Pixies. برای لذت خودم.  
اولین بار یکی از دوستانم ترانه Ghiver (فرزیدن) از  
ترانه‌های اول گروه Coldplay را با گیتار برای من پز زد  
و گفت دوست‌دانه که این را دوست داشته باشی یا نه.  
شاید فکر کنی بسیار شبیه Jeff Buckley است.

بله. آن آهنگ ارتباط مستقیم به Jeff Buckley دارد.  
وقتی آن آهنگ را نوشتم به چیزی جز Jeff Buckley  
گوش نمی‌دانم. اما آن آهنگ را دوست دارم برای  
همین حس‌فشارش کردیم. شاید او را با بهتر اجرا  
می‌کردی؟

چیز دیگری نمی‌خواهی اضافه کنی؟ احتمالاً دیگر  
وقت رفتن است.

خیلی متشکرم این آخرین مصاحبه من خواهد بود.



## معرفی آلبوم Parachutes

## نقدی بر آلبوم Coldplay از گروه Parachutes

سهراب محبی

وقتی برای اولین بار به آلبوم Parachutes گوش می‌دهیم حس می‌کنیم که با یکی از بهترین پدیده‌های تازهٔ موسیقی راک مواجه شدیم اما این احساس بعد از این که چند بار به آلبوم گوش می‌دهیم از بین می‌رود. چرا این حس به این زودی ناپدید می‌شود؟ حس می‌کنیم که تمام ترانه‌ها را به گونه‌ی قبلاً شنیده‌ایم. چه ملودی‌های ظریف گیتار، چه آکوردهندی‌های ترانه‌ها و چه نحوهٔ خواندن اشعار. انگار همه را جایی در پس ذهن خود داریم. شاید نتوان روی بخش خاصی از این آلبوم انگشت گذاشت و گفت این *Rill* از فلان گروه است. اما شاید بتوان گفت آلبوم Coldplay مجموعه‌ی است همگن از بسیاری از ساختارهای آرتیزانوی راک که در یک جا و در قالب یک آلبوم جمع شده است. شما *Counting Crows* و *Radiohead* (خصوصاً آلبوم *Recovering the Smaller Lights*) را به یاد می‌آورید. *Blur* را به یاد می‌آورید. این گروه‌ها هر کدام منحنی خاص خود را دارند و شاید شباهت موسیقایی چندینی نداشته باشند ولی آلبوم Parachutes یادآور همه آن‌ها به علاوهٔ عناصر دیگری است که اکثراً یافت ما شناسه است اما از حیث نگذرنه که ترکیبی هنرمندانه از همه آن‌هاست. مطمئناً چنین ترکیبی جذابیت‌های خاص خود را داراست اما به هر حال، اثری تاریخ مسرف دارد است و احساساً پس از مدتی فراموش خواهد شد. چرا که حس می‌توان گفت که اشعار آلبوم نیز اشعار تازه‌ی نیستند (البته شاید ترانه *Spies* شعر جالب توجهی داشته باشد) و مجموعه کلمات آن‌ها تکراری به نظر می‌آید. اگر آلبوم بعدی گروه نیز این‌گونه باشد احتمالاً موفقیت چندانی نخواهد داشت. چرا که آن‌چه یک گروه یا یک آلبوم را ماندگار می‌کند ناب بودن آن است. و تمامی اثری که تاریخ راک را ساخته‌اند به این حس ممکن است شباهت‌هایی داشته باشند. اما هر کدام حالت خاص خود را دارند و از این لحاظ بازنه‌های دیگر متفاوت‌اند. مثلاً شاید در اکثر ترانه‌های راک ساختار *Chorus, Verse, Chorus, Verse*، *sofo*، و در آخر دوباره *Chorus* وجود داشته باشد. و می‌شک هر پدیده‌ی در هنر وام‌گیری‌هایی از تاریخ دارد و موسیقی راک که *Coldplay* نیز زیرمجموعه‌ی آن است. - از این امر مستثنی نیست.

بهر حال بهتر است برای آلبوم بعدی *Coldplay* پیش فرض نداشته باشیم. مطمئناً چند روزی لذت بردن از *Parachutes* برای علاقه‌مندان به موسیقی راک که این روزها از گوش دادن به مجموعه آلبوم‌های خود خسته شده‌اند و انتظار موسیقی تازه‌ی را دارند. شاید خالی از لطف نباشد.

هر چند وقت یکبار آلبومی منتشر می‌شود که نمی‌شود دقیقاً روی یک نکته انگشت گذاشت و گفت این است که این آلبوم را به یادمانی می‌کند. قطعاتش خوب نوشته شده و با حس موسیقایی آن همان می‌کند پیش از آن جایی آن‌ها را شنیده‌ی آلبومی که از صداهای پیرید و انتقالی در آن خبری نیست، سازبندی ساده و درستی دارد که با شمری که آوای خاص خودش را می‌نوازد ترکیب شده است.

آلبومی که هر بار گوش می‌دهی نوای آکوردهای زیبایش به همان شیرینی دفعات گذشته است. آلبوم *Parachutes* از همان نوع آلبوم‌هاست. البته ممکن است یک طرفدار *Rage Against the Machine* یا *Nine Inch Nails* از یکتاخستی سرعت و آکوردهای آن بدش بیاید اما از طرف دیگر یکی از زیبایی‌های تهنه در آلبوم اکتشافات آوایی است که *Coldplay* آن را در محدود کردن تمبو و تن‌های صدایی که انتخاب می‌کند یافته است.

بجز قطعه *Shiver* که کنترلتی قوی با بقیه آلبوم دارد. سازبندی‌ها بر پایهٔ گیتار فولک است که افکت به صورت *دگه گانه* وارد آن می‌شود و بیخفتن قطعه را ریتم‌های سادهٔ پرکاشن، نوای تسخیرکنندهٔ پیانو و گاهی تک‌های کوچتی از سازهای میغسی می‌سازد. آلبوم با صدای درام آکوستیک *Brush* نوشته می‌شود و ریتم‌های *Vocal* آن را دنبال می‌کند شروع می‌شود. قطعه‌ی است چهار آکوردی با نام *Don't Panic*.

*Spies* به‌طور مداوم بین آکوستیک و تام درام و گیتار الکتریک در حال جایمایی است که به خوبی با حس کج‌خلفی و سوسوفتی که در شعرش وجود دارد تطبیق می‌کند.

*Sparks* قطعه‌ی است آرام با مضمونی عاشقانه. هر آلبوم انگلیسی که به چنین جایگاهی برسد قطعه‌ی باب میل را ندو دارد و چندین قطعه‌ی در این آلبوم، قطعه *Yellow* است. قطعه‌ی که بارها به آن گوش می‌دهی. تادی پتوئی که در *Trouble* بسیار به‌جا به کار رفته و تأثیر شعرش را بیشتر می‌کند و روشنایی‌هایی که در انتهای آلبوم در *Everything's Not Lost* وجود دارد امید را به هیگام مشکلات گوشزد می‌کند که در عین حال با نوای اندک گیتارش به شما اجازه نمی‌دهد که خیلی مطمئن باشید می‌توان گفت که آلبوم *Parachutes* از کارهای بسیار خوبی است که در یکی دو سال اخیر منتشر شده است.

# COLDPLAY